

افکار عمومی جهان رژیم خشونت طلب جمهوری اسلامی را به پرتگاه می کشاند

سه‌شنبه ۲۳ آذر ۱۳۸۹ - ۱۴ دسامبر ۲۰۱۰

فرزانه سید سعیدی

«دوباره یک زن را در ایران دار زده اند... از وضعیت سکینه آشتیانی خبر داری؟... امیدوارم هر چه زودتر آزاد شود...» اینها سخنان یک پیرزن آلمانی خطاب به من بود. او از وضعیت دو خبرنگار آلمانی که در ایران گرفتار شده اند، نپرسید و نجات جان انسانهای بی دفاع برایش اهمیت زیادی داشت. این پیرزن در ادامه از وضعیت انسانها در زمان جنگ هیتلر سخن راند و خصوصیات جامعه دیکتاتوری را بر شمرد. او در سخنانش اصرار داشت که هیتلر یک اتریشی بوده است و آلمانی نیست.

تنها این پیرزن نیست که چهره مخوفی از جمهوری اسلامی در ذهن دارد. بیشتر کسانی که در اروپا زندگی می کنند، تصویری که از جمهوری اسلامی دارند شکنجه و اعدام و وحشت است اما آنها حساب ایرانی ها را از رژیم جمهوری اسلامی جدا کرده اند. همانطور که این پیرزن به شکلی حساب جامعه آلمان را از هیتلر جدا کرد.

خوشبختانه بسیاری از ایرانیان مقیم اروپا تحصیل کرده هستند و خود را با موقعیتی که در آن زندگی کرده اند به خوبی تطبیق داده اند و همین مساله سبب شده که اروپایی ها پذیرای ایرانیان باشند. اما یک استاد سیاسی در کلاس Orientierungs که به منظور آشنایی مهاجرین با مسائل موجود در آلمان در نظر گرفته شده، این مساله را چنین تشریح می کند: «خیلی ها در اینجا تصور می کنند که روسها شراب خوار، ترک ها کارگر و بالاخره ایرانی ها پزشک هستند. دلیل این است که بیشتر ترکهایی که پس از خاتمه جنگ جهانی دوم به آلمان آمدند برای کمک به عمران و آبادی این کشور مهاجرت کرده و از قشر کارگر بودند. روسها به دلیل سرمایگی که وجود دارد مجبور هستند که با خوردن شراب خود را گرم نگه دارند، هر چند شراب خواری در همه جا وجود دارد. و در نهایت پس از دهه ۶۰ در ایران و اتفاقاتی که در این کشور افتاد قشر وسیعی از تحصیلکردگان و روشنفکران جامعه به سایر نقاط جهان مهاجرت کردند که این مساله سبب شده تصویری که همه از ایرانیان مهاجر دارند این باشد که همه ایرانیان فرهیخته هستند».

مردی اسپانیایی ابتدا به زبان اسپانیایی با من صحبت کرد، بعد که

فهمید ایرانی هستم اولین چیزی که گفت این بود: «ایران خطرناک است». جوابی برای این عبارت نداشتم، از طرفی تعصب چسبانیدن صفت خطرناکی به ایران و از طرفی بازتاب رفتار مقامات جمهوری اسلامی در اذهان عمومی جهان باعث شد که این مرد اسپانیای دودی را که در چهره ام نقش بسته است ببیند. با من همدردی کرد و بعد برای دلداری دادن به من گفت: «قول می دهم که تا پنج سال دیگر رژیمی که مردم ایران مستحق آن هستند بر سر کار بیاید و جمهوری اسلامی سرنگون شود. پرسیدم: «مطمئنی؟». گفت: «قول می دهم». جواب دادم: «امیدوارم». گفت: «من هم امیدوارم. یکی از آروزهای من این است که به ایران بروم. من عاشق ایرانیان و فرهنگ و کشورشان هستم اما در حال حاضر از سفر به ایران هراس دارم.

یک زن کوبایی که ابتدا می ترسید وضعیت دردناک کوبا را بازگو کند، پس از اینکه به من اعتماد کرد و شرایط جامعه کوبا را تشریح کرد، گفت: «می دانم مردم کوبا نیز روزی همانند ایرانی ها برای گرفتن حق خودشان به خیابانها خواهند ریخت.

زمانی که تازه به آلمان مهاجرت کرده بودم از این مساله که صاحبخانه چطور موافقت می کند یک ایرانی در منزلش سکونت داشته باشد، نگران بودم، او با روی بسیار باز با من برخورد کرد و برای سایر همسایگان نیز تعریف کرده بود که مستاجری ایرانی دارد و خلاصه به دلیل اینکه در ایران تحصیل کرده ام به من افتخار می کرد. از طرفی به دلیل اینکه می دانست در ایران خبرنگار بوده ام همیشه مراقب بود تا اتفاقی پیش نیاید.

با این وجود عده ای هم از رفتاری که ما در خارج کشور علیه جمهوری اسلامی از خود نشان می دهیم راضی نیستند. در یکی از تجمع های خیابانی علیه رژیم جمهوری اسلامی دو عرب با دشنام گویی از کنارمان رد شدند. یک زن عرب نیز پس از مساله انتخابات اخیر در ایران با عصبانیت گفت: «احمدی نژاد مرد بسیار خوبی است چرا مردم شما به خیابانها ریخته اند و ضد او شعار می دهند؟» با زبان خودش جواب دادم: «احمدی نژاد برای شما فرد خوبی است. او پولهای مردم کشور ما را خرج لبنان و فلسطین می کند. تعداد زیادی از مردم ما راضی نیستند که این پولها به دست شما برسد بنابراین خوردن آن حرام است. حتی اگر فرض بگیریم که همه هم راضی باشند من تا زمانی که در ایران زندگی می کردم راضی نبودم و یکنفر هم کافی است که این پولها حرام شود. این زن قدری تامل کرد و از وضعیت اقتصادی بهشت گونه ای که از ایران تصور می کرد سخن گفت. تصورش این بود که جمهوری اسلامی مردم را در رفاه مطلق نگه داشته و اضافه های پول خود را برای آنها می فرستد. در عین حال همه عربها نظرشان اینچنین

نیست. یک دختر سوریه ای که در آلمان تحصیل می کند بعد از تشریح قوانین تبعیض آمیز علیه زنان در ایران گفت که تصویری که در حال حاضر از اسلام دارد به دلیل اینکه در دانشگاه تحصیل کرده بسیار متفاوت از تفکری است که در گذشته از اسلام داشته است. به اعتقاد او مشکلی که در ایران وجود دارد دخالت حوزه علوم دینی در حوزه علوم سیاسی است.

در گذشته تصویری که از آلمان داشتم این بود که تبعیض و توهین زیادی علیه ایرانیان صورت می گیرد و شاید این زمینه فکری به دلیل تبلیغاتی است که در جمهوری اسلامی می شود اما خوشبختانه باید بگویم که این تفکر به هیچ وجه درست نیست. البته هر جامعه ای مشکلات خاص خود را دارد و هیچ جایی از دنیا بهشت برین نیست اما تا کنون به هر کسی که گفته ام ایرانی هستم، برخوردش با من به گونه ای بوده است که به ایرانی بودن خود افتخار می کنم. اما پس از تعریف و تمجیدهایی که از ایرانیان به دلیل تاریخ و تمدن و فرهنگشان می شود بحث به اینجا می کشد که ایرانیان لایق چنین حکومتی نیستند. بیشتر کسانی که با آنها صحبت می کنم درباره وضعیت سیاسی ایران اظهار تاسف می کنند. آنها بیشتر از رفتاری که حکومت ایران با مردم کشور خود می کند اظهار تاسف می کنند تا سیاستهای بین المللی.

شایعه آزادی سکینه آشتیانی برای مدت کوتاهی بازتاب خوبی در محیط آلمان داشت اما پس از مدتی همه دوباره نا امید شدند و انتظار خود از رژیم جمهوری اسلامی را بی جا دانستند. بیشتر کسانی که با آنان برخورد دارم نسبت به اتفاقاتی که در ایران می گذرد آگاهی دارند. آنها از دستگیری های وسیع قشر روشنفکر جامعه نگران هستند.

رفتار جمهوری اسلامی بخصوص پس از انتخابات ریاست جمهوری موج شدیدی از تنفر را در جامعه جهانی بوجود آورده است. انعکاس اینهمه خشونت در نهایت به ضرر رژیم منجر خواهد شد تا جایی که حامیان دیکتاتور خود را هم از دست خواهند داد. این رژیم با رفتار غیر انسانی خود در شرایط بحرانی هیچ پشتیبانی نخواهد داشت.